



دو رساله درباره فتوت و تصوف در
طریقت‌های صفویه و رفاعیه

تصحیح و تحقیق

مهران افشاری

دو رساله درباره فتوت و تصوف در طریقت‌های صفویه و رفاعیه



تصحیح و تحقیق

مهران افشاری



مجموعه انتشارات
ادبی و تاریخی
موقوفات دکتر محمود افشار

[۷۷]

گنجینه زبان و ادبیات فارسی دری



هیئت گزینش کتاب و جایزه

دکتر سید مصطفی محقق داماد - دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی - دکتر ژاله آموزگار - دکتر جلال خالقی مطلق
دکتر حسن انوری - دکتر فتح الله مجتبایی - دکتر محمود امیدسالار - کاوه بیات
دکتر محمد افشین وفایی (مدیر انتشارات)

درگذشتگان

ایرج افشار - دکتر سید جعفر شهیدی - دکتر جواد شیخ الاسلامی - دکتر اصغر مهدوی - دکتر یحیی مهدوی



دو رساله درباره فتوت و تصوف در طریقت های صفویه و رفاعیه



تصحیح و تحقیق مهران افشاری

گرافیسست، طراح و مجری جلد	کاوه حسن بیگلر
حروفچینی و صفحه‌آرایی	سهیلا بابایی
لیتوگرافی	کوثر
چاپ متن	آزاده
صحافی	حقیقت
تیراژ	۱۱۰۰ نسخه
چاپ اول	بهار ۱۳۹۹

ناشر انتشارات دکتر محمود افشار

خیابان ولی عصر، بالاتر از چهارراه پارک وی، خیابان عارف‌نسب، کوی لادن، شماره ۶
تلفن: ۲۲۷۱۷۱۱۴ دورنما: ۲۲۷۱۷۱۱۵

با همکاری انتشارات سخن

خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه، خیابان وحید نظری، پلاک ۴۸
تلفن: ۵-۶۶۹۵۳۸۰۴ دورنما: ۶۶۴۰۵۰۶۲

تلفن تماس برای تحویل کتاب در تهران و شهرستان‌ها

۵-۶۶۹۵۳۸۰۴



شورای تولیت

شماره ۱۳۸۳/۱۳۴۳ - ۱۳۸۳/۱۳۴۳

متولیان مقامی

رئیس مجلس - رئیس دیوان عالی کشور - وزیر فرهنگ (وزیر آموزش و پرورش)

وزیر بهداشتی (وزیر بهداشت و درمان و آموزش پزشکی) - رئیس دانشگاه تهران (یا معاونان اول هر یک از این پنج مقام) (طبق ماده ۲ و قفنامه)

متولیان منصوب و منسوب

دکتر سید مصطفی محقق داماد (رئیس شورا) - دکتر محمد رضا شفیعی کدکنی (جانشین: دکتر محمد اسلامی - بازرس)

سید محمود دعایی - دکتر علی محمد میر (جانشین: دکتر احمد میر)

ساسان دکتر افشار - آرش افشار (بازرس)

هیئت مدیره (منتخب شورای تولیت)

شماره ۱۳۸۳/۱۳۴۳ - ۱۳۸۳/۱۳۴۳

دکتر سید مصطفی محقق داماد (رئیس هیأت مدیره) - ابراهیم ابراهیمی (نایب رئیس هیئت مدیره، معاون قضائی دیوان عالی کشور)

دکتر محمد افشین وفایی (مدیر عامل) - معصومه پاکرادی (خزانه دار)



درگذشتگان

دکتر مهدی آذر - حبیب الله آموزگار - دکتر جمشید آموزگار

ایرج افشار، سرپرست عالی و بازرس (منصوب واقف، از ۱۳۶۳-۱۳۸۹) - مهر بانو دکتر افشار

مهندس نادر افشار - بهروز افشار یزدی - دکتر سید جعفر شهیدی، رئیس هیأت مدیره (از ۱۳۶۳ تا ۱۳۸۳)

دکتر جواد شیخ الاسلامی - اللهیار صالح - دکتر منوچهر مرتضوی - دکتر اصغر مهدوی - دکتر یحیی مهدوی - دکتر محمد علی هدایتی

یادداشت واقف

اول

طبق ماده ۲۳ وقفنامه اول مورخ یازدهم دی ماه ۱۳۳۷ ه. ش. درآمد باید صرف ترجمه و تألیف و چاپ کتب و رسالات که با هدف این موقوفات موافق باشد و همچنین کمک به مجله آینده در صورت احتیاج و احتمالاً دادن جوایز به نویسندگان به شرح دستور این وقفنامه گردد.

دوم

هدف اساسی این بنیاد ملی طبق ماده ۲۵ وقفنامه تعمیم زبان فارسی و تحکیم وحدت ملی در ایران می باشد. بنابراین کتبی که با بودجه این موقوفات منتشر می شود باید مربوط به لغت و دستور و ادبیات فارسی و جغرافیای تاریخی و تاریخ ایران باشد. کتب کلاسیکی مدارس عمومی نباید با درآمد این موقوفات چاپ شود.

سوم

طبق ماده ۲۶ مقداری از کتب و رسالات چاپ شده با بودجه این موقوفات باید به طور هدیه و به نام این موقوفات به مؤسسات فرهنگی، کتابخانه ها و قرائتخانه های عمومی ایران و خارج و بعضی از دانشمندان ایران و مستشرقین خارجی فرستاده شود.

چهارم

چون نظر بازگانی در انتشارات این موقوفات نیست و تا حدی تحمل زیان هم جایز است طبق ماده ۲۷ وقفنامه هیچ کتاب و رساله نباید کمتر از قیمت تمام شده و همچنین مبلغی زائد از بهای تمام شده با افزایش صدی ده تا بیست و پنج قیمت گذاری شود... این افزایش ۲۵ درصد به واسطه حداقل حق الزحمه فروشندگان و هزینه ای است که برای پست و غیره تحمیل می شود. از کتابفروشان تقاضا داریم که در این امر خیر ملی که ابداً جنبه تجارتي ندارد با ما یاری و تشریک مساعی بنمایند.

پنجم

بر اساس موافقت نامه دوم (مورخ ۱۳۵۲/۴/۱۲) که میان واقف و دانشگاه طهران به امضاء رسیده، قسمتهای مهمی از رقیبات، مانند جایگاه سازمان لغت نامه دهخدا و محل مؤسسه باستان شناسی به طور رایگان به دانشگاه طهران واگذار شده و رقیبات دیگری هم با درآمد آنها طبق ماده دوم برای اجرای مفاد وقفنامه که از جمله عبارت از دادن جوایز ادبی و نشر کتب تاریخی و لغوی راجع به ایران (به استثنای کتب درسی) می باشد در اختیار دانشگاه طهران قرار می گیرد که وصول نموده و به نام این موقوفات اعطا و نشر گردد.

ششم

چون طبق ماده ۳ موافقت نامه نامبرده مقرر شده است که از طرف ریاست دانشگاه یک نفر از متولیان این موقوفات که از طرف واقف به عضویت کمیته انتشارات بنیاد معین شده باشد برای سرپرستی اداره امور جوایز و نشر کتاب انتخاب شود ریاست دانشگاه آقای ایرج افشار را که از متولیان شورای تولیت است و از طرف واقف نیز به عضویت کمیته نامبرده معین شده به سمت سرپرست انتخاب و برقرار نمودند.

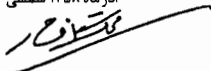
هفتم

چون نگارنده این سطور به واسطه کبر سن (۸۶ سال شمسی) از این پس نخواهم توانست به سرپرستی این کارها بپردازم، از این پس تمام اختیارات خود را در انتخاب تألیف و ترجمه و خرید کتب و غیره به فرزند ارشد خود ایرج افشار واگذار کردم. در این چند سال اخیر هم که ده جلد از تألیفات خودم از طرف موقوفات به طبع رسیده با کوشش و سرپرستی وی بوده است. کسانی که مایل به همکاری در تألیف یا ترجمه و نشر کتاب هستند می توانند به او مراجعه کنند. تنها شرط کار موافق بودن تألیف و ترجمه با هدف های این بنیاد، یعنی ترقی ملت و کشور و تعمیم زبان فارسی و تکمیل وحدت ملی در ایران که وطن مشترک و زبان رسمی و ملی همه ایرانیان است می باشد.

هشتم

این یادداشت کلی برای چاپ در آغاز هر یک از نشریات این بنیاد نوشته شده است.

دکتر محمود افشاریزدی
آذر ماه ۱۳۵۸ شمسی



تکمله سوم

اردیبهشت ۱۳۶۲

کتبی که با بودجه این موقوفات طبع و توزیع می‌شود باید کاملاً منطبق با نیت واقف و هدف وقفنامه باشد. اگر همه تألیفات و مجموعه‌هایی که به قلم واقف منتشر شده و یا می‌شود صد درصد این مطابقت را ندارد به سبب این است که واقف قصد چاپ آنها را با مال خود داشت، ولی زمانی که دارایی خود را وقف عام مخصوصاً برای انتشارات کتب تاریخی و ادبی نمود چاپ کتب خود را هم که دارای همین جنبه‌هاست به عهده بنیاد واگذار کرد.

اما این مجوز آن نیست که تألیفات دیگر را هم از هر نوع که باشد و برسد چاپ نماید. کتب نظم و نثری از گذشتگان یا آیندگان با بودجه آن چاپ خواهد شد که هدف غایی واقف را که ترویج زبان دری و تحکیم وحدت ملی ایران است دربرداشته، کتبی که بوسی از ناحیه‌گرایی و جدایی‌طلبی و حکایت از رواج زبان‌های خارجی به قصد تضعیف زبان دری و دیگر چیزهای تفرقه‌آمیز و روش‌ها و سیاست‌های فتنه‌انگیز داشته باشد نباید با بودجه این موقوفات طبع و توزیع شود.

نکته دیگر آنکه چون شاید برای چاپ کتب و فرهنگ‌نامه فارسی که دایره مانند یعنی انسیکلوپدی باشد و تاریخ کامل ایران که اوراق زیاد و هزینه بیشتر دارد، درآمد ماهیانه بنیاد کفاف خرج آنها را ندهد می‌توان با اندوخته بانکی این موقوفات چاپ نمود، به شرط آن‌که اجازه واقف در زمان حیات و موافقت شورای تولیت بعد از ممات یا هرکس و دستگاهی که قانوناً قائم مقام آنهاست باشد.

در تکمله دوم یادداشت واقف، منتشره در جلد سوم افغان‌نامه نگاشتم که کتب و رسالاتی که با بودجه این موقوفات چاپ می‌شود باید منزه باشد از تحریکات سیاسی، مخصوصاً آلوده نباشد به اغراض سیاسی خارجی در لافافه پژوهش تاریخی و ادبی ایران‌شناسی... و در پایان آن تکمله افزودم بیم داشتیم که مبادا چنین رسالاتی سال‌ها بعد از ما نخواسته و ندانسته، به وسیله این بنیاد چاپ شود. پس لازم بود که در این یادداشت تذکری داده شود... عمده مخاطب این یادآوری‌ها بنیاد موقوفات خود ماست نه مؤسسات انتشاراتی دیگر که هر یک روش خاص خود را دارد و ما دخالتی در کار آنها نداریم.

تا زمانی که نویسنده این سطور متولی هستم و فرزند دانشمند من، ایرج افشار که به رموز نویسندگی کاملاً آگاه می‌باشد سرپرست انتشارات این بنیاد است، موجبی برای نگرانی نخواهد بود و بعد از ما هم امید است که این روش ادامه یابد. ان شاء الله

تکمله و تبصره

۱۳۶۲

یادداشت واقف چند روز پیش از درگذشت (۲۸ آذر ۱۳۶۲) برای اطلاع نویسندگان.

کتاب نظم و نثری از گذشتگان یا آیندگان که با سرمایه و درآمد این بنیاد چاپ و توزیع می‌شود باید منطبق با نیت واقف و هدف وقفنامه باشد و مروج زبان دری در قلمرو این زبان و تحکیم وحدت ملی و تمامیت کشور ایران باشد و بویی از ناحیه‌گرایی و جدایی‌طلبی ندهد، و حمایت و ترویج از لهجه‌های محلی و زبان‌های خارجی به قصد تضعیف زبان فارسی دری نکند. خلاصه آنکه این کتاب‌ها و رسالات باید منزّه باشد از روش‌های تفرقه‌آمیز و سیاست‌های فتنه‌انگیز، چه به‌طور مرموز و چه علنی مخصوصاً نباید آلوده باشد به اغراض سیاسی خارجی در لاف‌افه پژوهش تاریخی، نژادی یا ادبی و فرهنگی و ایران‌شناسی.

کتاب تاریخی و ادبی عالمانه خارجی که از عربی و ترکی و فرنگی و روسی به فارسی ترجمه می‌شود اگر دارای هر دو جنبه از سود و زیان باشد باید قسمت سودمند آنها ترجمه شود. قسمت زیان‌بخش اگر ترجمه شود باید به قصد مبارزه و مقابله عالمانه با آن باشد نه جاهلانه، زیرا گفته منطقی ممکن است مؤثر باشد، نه شانتاژ و هوجب‌گری. این بنیاد در انتشارات خود باید در هر حال از دروغ و ناسزا پرهیز کند. به گفته نظامی گنجوی:

چون توان راستی را دج کردن دروغی را نباید خرج کردن

برای چاپ و انتشار کتاب و رسالات نه تنها هزینه و حق‌الزحمه نمی‌خواهیم، بلکه به سبب اهمیت فوق‌العاده سودمند بودن کتاب، جایزه نیز می‌پردازیم. این بنیاد در چاپ و انتشار کتاب‌های خود به‌طور مسلم ضرر مادی دارد، زیرا کمتر از ارزش تمام شدن از کاغذ و چاپ و غیره از راه فروش درآمد دارد. شاید بعضی تصور کنند که کار ما شبیه به معامله مرحوم ملانصرالدین باشد که تخم مرغ می‌خرد دانه‌ای دو شاهی، می‌پخت و رنگ می‌کرد و می‌فروخت یک شاهی! عقیده ما بر این است که اگر در این سود، ضرر مادی و مالی می‌کنیم سود معنوی که منظور ماست می‌بریم، و آن اینکه عقیده خود را که ترویج زبان دری و تحکیم وحدت ملی و تمامیت ارضی ایران است رواج می‌دهیم. این زبان را به حساب مصارف وقف در راه ایده‌آل و هدف ملی خود محسوب می‌داریم.

برای اطلاعات و توضیحات بیشتر لطفاً به تکمله منتشرشده در ابتدای کتاب‌های این بنیاد که اضافات و تفاوت‌هایی با هم دارد توجه فرمایید.

خوشا وقت شوریدگان غمش
اگر زخم بینند و گر مرهمش
گدایانی از پادشاهی نفور
به امیدش اندر گدایی صبور

با یاد دوست و استاد فرزانه و وارسته‌ام،
دانشمند فقید، مرحوم استاد عبدالحمین
حائری (۱۳۰۶ - ۱۳۹۴) که زندگی کردنش
شاهکارش بود.

فهرست مطالب

یادداشت	۱۷
رساله در طریقت صفویّه	۲۳
دیباچه	۲۵
فصل در بیان اذکاری که صاحب ریاضت باید بگوید	۴۵
باب در آدابِ ذکرِ مبتدی	۵۳
باب مناجات به اسم حضرات پیران اهل سلسلهٔ خود	۵۵
ارکان طریقت صفویّه	۵۷
رساله در طریقت رفاعیه	۵۹
دیباچه	۶۱
فصل اوّل در بیان مقراض	۷۱
فصل دوم پیر توبه است	۷۵
فصل سیوم پیر کسوت است	۷۷
فصل در حقیقت صورت	۸۱
نسبة الخرقه	۸۵
باب در بیان فرض و سنت پرچم	۸۷
فصل چهارم پیر مربّی است	۸۹
باب در بیان آنکه میان بستن بر چند باب است	۱۰۳
مقراض راندن	۱۰۷
تعلیقات و توضیحات	۱۱۱

۱۴۵	فهرستها
۱۴۷	فهرست منابع و مآخذ
۱۵۵	فهرست آیه‌های قرآن مجید
۱۵۷	فهرست احادیث و روایت و اقوال عربی
۱۵۸	فهرست شعرها بر اساس حرف آغازین
۱۶۰	فهرست نام جایها و شهرها
۱۶۱	فهرست ملل و نحل، قومها و طریقتها
۱۶۴	فهرست نام کسان
۱۶۹	فهرست واژه‌های ویژه و مصطلحات و تعبیرات خاص

خدایا، جهان‌پادشایی تو راست
ز ما خدمت آید، خدایی تو راست
نظامی گنج‌های

یادداشت

دفتری که از نظر خوانندگان گرامی می‌گذرد دربردارنده سه بخش است. بخش نخست رساله در طریقت صفویه، بخش دوم رساله در طریقت رفاعیه و بخش سوم تعلیقات و توضیحات است. رساله در طریقت صفویه براساس نسخه خطی منحصربه‌فردی تصحیح شده که زمانی به مرحوم استاد عبدالعظیم خان قریب گرکانی تعلق داشته است. این رساله طریقت تصوّف صفویان یعنی اعقاب شاه اسماعیل اوّل (درگذشت: ۹۳۰ ق.) را می‌شناساند و نکته‌هایی بس مهم و بی‌نظیر را درباره تصوّف و تشیع صفویان در بر دارد که تاکنون از نظر پژوهشگران پوشیده مانده بوده است. رساله در طریقت رفاعیه هم در نوع خود بی‌نظیر است که براساس نسخه‌ای خطی و ناشناخته محفوظ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران تصحیح شده است و نخستین رساله فارسی از پیروان سید احمد رفاعی (درگذشت: ۵۷۸ ق.) است که در ایران منتشر می‌شود. بخش سوم تعلیقات و توضیحات این‌جانب درباره برخی از مطالب، اعلام، تعبیرات و مصطلحات دو رساله طریقت صفویه و طریقت رفاعیه است که موارد توضیح داده شده را در متن رساله‌ها با عدد درون قلاب، مشخص کرده‌ام و خواننده می‌تواند براساس آن عددها توضیحات را در بخش تعلیقات بیابد. خواهش نگارنده از خواننده محترم این است که حتماً بخش تعلیقات و توضیحات را مطالعه

کند؛ چه نکته‌هایی تازه را در بر دارد که کمتر در کتابی دیگر می‌توان یافت و همچنین خواننده فاضل را در فهم و درک مطالب رساله‌ها یاری می‌رساند و به مقایسه مطالب این دو رساله با مباحث فتوت‌نامه‌ها و رساله‌های قلندران و خاکساران می‌پردازد و سرچشمه تعبیرات و روایتها و حکایت‌های این دو رساله را به خواننده می‌شناساند.

هرچه زمان بیشتر می‌گذرد و با منابع دست‌نوشته ناشناخته درباره تصوف بیشتر آشنا می‌شوم، باورم به درستی این نظریه که سالها پیش مطرح کرده‌ام بیشتر می‌شود که همانا تصوف از سده‌های دهم و یازدهم به بعد سخت از آیین قلندری و به تبع آن از فتوت متأثر شده است، به گونه‌ای که اگر احتیاط کنم و نگویم همه، باید بگویم که بیشتر طریقت‌های صوفیان امروزه از فتوت و قلندری تأثیر پذیرفته‌اند. درباره اینکه فتوت و ارتباط آن با تصوف چیست و آیین قلندری چگونه از فتوت پدید آمده است، در آثار پیشین خود بارها سخن گفته‌ام و تکرار آن سخنان در اینجا هم برای بنده و هم از برای خوانندگانی که آثار این حقیر را پیگیری می‌کنند، ملال‌انگیز خواهد بود.

به هر تقدیر، کتابچه‌ای که پیش رو دارید در راستای همان چاپ و نشر رساله‌های فتوت و قلندری است که تاکنون به فضل پروردگار انجام داده‌ام، و تأثیرپذیری دو طریقت صفویه و رفاعیه را از فتوت و قلندری به روشنی نشان می‌دهد. طرفه آنکه هر دو رساله با بحث درباره هشت مقام آغاز گردیده است که نمونه‌های آن را در فتوت‌نامه‌ها و رسائل خاکساریه می‌توان ملاحظه کرد. رساله نخست که درباره صفویه است، به صراحت تشیع را مذهب برحق می‌داند و ماجرای غدیرخم را به همان صورت افسانه‌آمیز که در فتوت‌نامه‌ها آمده است، شرح می‌دهد و آن ماجرای تاریخی را به افسانه کمر بستن پیامبر (ص) امیرالمؤمنین علی(ع) را، و کمر بستن علی(ع) هفده تن را که نخستین آنان سلمان فارسی است، پیوند می‌دهد. نویسنده رساله دوازده امام شیعیان را نام می‌برد و می‌کوشد بین مشایخ تصوف و ائمه اطهار(ع) ارتباط و پیوند برقرار کند. رساله حال و هوای دوران

صفویّه را دارد و قویاً پادشاهان و سادات صفوی را تکریم می‌کند.

رسالهٔ دوم به صراحت می‌گوید که دربارهٔ طریقت رفاعیه است که برخلاف صفویّه در ایران به سر نمی‌برده‌اند، بلکه در سرزمینهای مجاور ایران از جمله عراق و ترکیه فعال بوده‌اند و هنوز هم هستند. در این رساله به جای سادات صفوی با سادات رفاعی سروکار داریم. بیشتر مباحث این رساله همان سخنان مندرج در فتوّت‌نامه‌ها و رساله‌های قلندری است و مشحون از اصطلاحات اهل فتوّت و قلندریّه است. براساس تأثیرپذیری رفاعیه از فتوّت و قلندری، تمایل به تشیع در این رساله هم بیش و کم نمودار است اما تردیدی نیست که نویسندهٔ رساله خود سنی‌مذهب بوده است، زیرا برای امیرالمؤمنین علی (ع) تعبیرات رضی‌الله‌عنه و یا کرم‌الله‌وجهه را به جای علیه‌السلام به کار برده است.

به هر تقدیر، این هر دو رساله منابعی ارزشمند برای پژوهشگران تاریخ اجتماعی و مطالعات دربارهٔ تصوّف و طریقتهای صوفیان به شمار می‌آیند. از دوست فاضل و جوانم، آقای دکتر آرش سّری که این کتاب را به دقت مطالعه کرد و برخی از اشتباههای چاپی آن را اصلاح و چند نکتهٔ ارزنده را در تصحیح متنها یادآوری فرمود، بسیار سپاسگزارم. همچنین از جناب دکتر محمد افشین وفایی، مدیر فاضل موقوفات دکتر محمود افشار، که با همکاری‌شان متن مصحّح رساله‌ها را باری دیگر با نسخه‌های خطّی آنها مقابله کردند و برخی از خطاهایم را متذکر شدند و کتاب را ویرایش نمودند و کاربرد اصطلاح «کلمه‌چی» را در دیوان اسرار یادآوری کردند، کمال تشکر را دارم.

اکنون که به فضل و کرم حضرت حقّ - جلّ جلاله - این دو رساله در طریقتهای صفویّه و رفاعیه آمادهٔ طبع و نشر می‌گردد، سی سال از آغاز مطالعات و تحقیقاتم دربارهٔ تصوّف، فتوّت و قلندری می‌گذرد. دورانی را به خاطر می‌آورم که تازه مرز بیست‌سالگی را گذرانده بودم و دانشجوی دورهٔ کارشناسی ادبیات فارسی بودم و با شور و اشتیاق در جستجوی منابع دست‌نوشتهٔ فتوّت و قلندری به کتابخانه‌ها مراجعه می‌کردم. اما برای دیدن نسخه‌های خطّی محفوظ در کتابخانهٔ مرکزی

دانشگاه تهران و تهیه عکس از آنها، چون دانشجوی دانشگاه تهران نبودم و در مقطع کارشناسی تحصیل می‌کردم و نه بالاتر، در دوره ریاست دکتر فیروز حریرچی بر کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران که ذره‌ای آشنایی با دانش و اخلاق کتابداری نداشت، چه خون دلها که خوردم و با ممانعت و بدرفتاری و کمی خشونت و شاید هم توهین روبه‌رو شدم. تنها مسؤولان تالار نسخه‌های خطی، دو بانوی محترم، خانمها املشی و حرّی بودند که برای بنده دل می‌سوزانند و به‌رغم قوانین غیرمنطقی کتابخانه، نسخه‌های خطی را در اختیارم می‌گذاشتند، اما مقامهای بالاتر اجازه تهیه عکس از آنها را نمی‌دادند. بعدها در دوره ریاست دکتر جلیل تجلیل بر کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران نیز همین رویه ادامه داشت. او هم هیچ از کتابداری و نسخه‌شناسی نمی‌دانست اما بر کرسی استاد بی‌نظیر کتابشناسی و کتابداری، شادروان استاد ایرج افشار تکیه زده بود.

باری، در آن سالیان پراشتاب هنگامی که برای دیدن نسخه‌های خطی چند فتوّت‌نامه محفوظ در کتابخانه مجلس به مدیر و رئیس کتابخانه مجلس، مرحوم استاد عبدالحسین حائری، مراجعه کردم، نه‌تنها با مهربانی و خوشرویی نسخه‌های خطی را به دستم دادند و به همکاران خود فرمودند تا به آسانی عکس نسخه‌هایی که می‌خواستم ازبرایم آماده گردید، حتی بنده را به مطالعه و پژوهش درباره فتوّت و قلندری بسیار تشویق کردند و بسیار اطلاعات مفید در اختیارم گذاشتند و نسخه‌هایی را هم که نمی‌شناختم به بنده معرفی کردند. سپس که بیشتر به کتابخانه مجلس مراجعه کردم و استاد بیشتر مرا شناختند، فرمودند که هرگاه به کتابخانه مجلس رفتم در دفتر کار ایشان در جوارشان بنشینم تا ضمن مطالعه باهم گفتگو کنیم و آن بزرگ‌مرد فرشته‌خوی بنده دانشجوی جوان را به همنشینی و هم‌سخنی با خود مفتخر گردانید و حتی در آن دورانها بنده را به مرحوم استاد ایرج افشار معرفی فرمود تا فتوّت‌نامه‌های کتابخانه مجلس را که تصحیح کرده بودم، در نسامواره دکتر محمود افشار و مقاله‌هایم را در گرامی‌مجله آینده چاپ و منتشر فرمایند.

اکنون نمی‌دانم کدامین دیوسیرتان وارونه‌کار، واقعیتها را قلب و دگرگون کرده و شایع

نموده‌اند که شادروان استاد عبدالحسین حائری نسخه‌های خطی کتابخانه مجلس را در اختیار اهل مطالعه و پژوهشگران نمی‌گذاشته‌اند و، استغفرالله، ضنّت داشته‌اند که طالبان از نسخه‌های خطی کتابخانه مجلس استفاده کنند! پیشینه مطالعه و تحقیق این بنده حقیر در کتابخانه مجلس به ریاست مرحوم استاد حائری، خودگواه صدق است که این سخن و شایعه دروغ محض است. این جانب در طقّ سالها همنشینی و هم‌سخنی با مرحوم استاد حائری در دفتر ریاست کتابخانه مجلس، بارها شاهد بوده‌ام که آن مرد بزرگ با چه دلسوزی به مراجعه‌کنندگان خود خدمت می‌کرد و هرکس به او روی می‌آورد، با دست خالی و بی‌بهره از کتابخانه بیرون نمی‌رفت. دشمنان دروغ‌پرداز آن مرد نیکو خصال درستکار را شرم باد! باری، از آن روی که در کارهای پژوهشی خود، بویژه تصحیح و نشر فتوّت‌نامه‌ها رهین مهربانی، دانش و راهنمایی مرحوم استاد عبدالحسین حائری‌ام، خوش دارم به رسم حق‌شناسی این یادداشت را هم با یاد آن دانشمند فروتن بی‌ادعا، آن بنده آزاده پروردگار، آن دوست و استاد فرزانه و وارسته از عالم خاک، به پایان برم و به روان روشن و تابناک وی در بهشت خدا درود فرستم که چنانکه یگانه فرزند دل‌بندش بر سنگ مزارش در قبرستان شیخان قم نوشت: با نور زیست و اسیر شب نشد. رحمة‌الله‌علیه رحمةً واسعةً.

و ما توفیقی الا بالله علیه توکلت و الیه اُنیب

مهران افشاری

جمال‌آباد نیاوران، ۹ تیرماه ۱۳۹۸

